

صدف

دوهفته نامه سیاسی - فرهنگی انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
دانشگاه صنعتی شریف

یکشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۸

شماره ۱۷۳



مرگ مجسمه



حمید رضامشکین

ورودی کارشناسی صنایع



مرگ مجسمه

راستش را بخواهید اول که می‌خواستم این یادداشت را بنویسم، هیچ ایده‌ای راجع به آن نداشتم، فقط می‌دانستم قرار است راجع به «استکبارستیزی» باشد. اولش فکر کردم در مورد آمریکا بنویسم و جنایت‌هایش و اینها، اما احساس کردم تکراری می‌شود. بعد گفتم بهتر است از دغدغه‌های خود شروع کنم. از اینکه واقعا چقدر آمریکا را دشمن خود حساب می‌کنم؟ برای خواننده‌ی محترمی که جزو نسل جوان حساب می‌شود شاید بعضی حرف‌ها و کارها در رابطه با آمریکا قدری پوچ و بی‌معنی به نظر بیاید. ممکن است خواننده محترم لقب «شیطان بزرگ» برایش ملموس نباشد چون ریشه همه مشکلات را از آن طرف آب‌ها نمی‌داند. ممکن است اینکه «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» را قبول نداشته باشد چون غلط‌های آمریکا را دارد به دو چشم می‌بیند. ممکن است پرچم آتش زدن را خلاف ادب و توهین به ملت آمریکایی بداند. (بیچاره‌ها دست خودشان نبوده که در ینگه دنیا متولد شده‌اند که!) نه تنها خواننده محترم، بلکه حتی می‌توان به سختی ادعا کرد که گاهی آن سخنران و سیاست‌مدار هم که پر شور و حرارت آمریکا را جنایتکار و قاتل و جانی خطاب می‌کند، ممکن است چندان اعتقاد راسخی به سخنانش نداشته باشد چنان‌که شاید جگر گوشه‌اش را به بهانه زندگی راحت‌تر روانه سرزمین فرصت‌ها کرده باشد. من معتقدم خواننده محترم شاید حق دارد. واژه‌ها وقتی بارها و بارها بدون باز تعریف به کار می‌روند، از معنا تهی می‌شوند. البته خواننده محترم امید نداشته باشد که نویسندگان شبهات مطرح شده را در همین متن کوتاه پاسخ دهد، ولی امید است که در پایان متن حس خواننده محترم به «استکبار» اندکی تغییر کرده باشد.

بگذارید از خود کلمه استکبار شروع کنیم. اساسا این واژه ریشه قرآنی دارد. خیلی خلاصه، مستکبر کسی است که برای خودش بزرگی و قدرتی مستقل از خداوند تصور می‌کند و به آن وسیله به عده‌ای زورگویی و تسلط پیدا می‌کند. طرف مقابلش هم می‌شود مستضعف. مستضعف البته هم‌معنی ضعیف نیست. مستضعف یعنی آن‌که توسط مستکبر ضعیف شمرده می‌شود و مستکبر قصد می‌کند بر او سلطه پیدا کند. این دو دسته در زمین زندگی می‌کنند. دعوایشان هم البته از ابتدای خلقت وجود داشته است. حالا یکی از واجبات بر هر مسلمانی، زیر بار زور نرفتن در برابر مستکبر هاست. قوانینش هم البته موجود است. مثلا اینکه مراجعه به قاضی و کلا سیستم دادرسی در حکومت غیر الهی مصداق شرک است حتی اگر حق شما پایمال شده باشد. (مراجعه کنید به کتاب گناهان کبیره - گناه شرک) چون این کار پذیرفتن

ولایت آن حکومت تلقی می‌شود. یا در جای دیگری داریم که در مواردی هم ظالم هم مظلوم به جهنم خواهند رفت. ظالم که معلوم است چرا، مظلوم به خاطر اینکه ظلم ظالم را پذیرفته و مقاومت نکرده است. خداوند کلا در مقابل کسانی که برای غیر از او قدرتی قائل شوند، جدی برخورد می‌کند.

آمریکا هم به خاطر همین اعمال سلطه جویانه‌اش در عالم است که هدف اول این «ستیزیدن» قرار می‌گیرد. می‌بینید؟ دشمنی ما با آمریکا اصلا سر یک سری اتفاقات تصادفی نبوده. یعنی فکر نکنید اگر ما همان اول انقلاب از دیوار سازمان بسیج دانشجویی فعلی و سفارت آمریکای سابق بالا نمی‌رفتیم و آن ۵۰ بخت برگشته را نزدیک ۱۵ ماه گروگان نگه نمی‌داشتیم، الان ممکن بود آب ما و ترامپ توی یک جو باشد. دشمنی ما با آمریکایی‌ها به خاطر خوی استقلال طلبی ماست و خوی سلطه‌گری آن‌ها.

وقتی واژه‌ها به معانی دقیق خودشان نزدیک شوند ارتباط بین‌شان پررنگ‌تر می‌شود. تازه ممکن است ارتباطات جدیدی هم کشف شود. مثل اینکه نویسندگان در میان نگارش متن به رابطه بین اینکه «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و آن آیه‌ای از قرآن که می‌فرماید «مستضعف‌ها وارثان زمین هستند» پی می‌برد. طوری که انگار ترجمه فارسی همان آیه باشد. ترجمه انگلیسی‌اش هم شاید می‌شود این جمله معروف:

lose the battle, win the war

واخر آیت‌الکرسی از آنانی که به طاغوت کافر هستند سخن گفته می‌شود (طاغوت تقریبا هم‌معنی همان مستکبر است که پیش‌تر گفتیم). وقتی کافر به طاغوت داریم، لابد مومن به طاغوت هم داریم. بزرگی این «ایمان به طاغوت» را اینطور توضیح می‌داد «این‌ها که به طاغوت ایمان دارند، یعنی قدرت‌های طاغوت را ندیده می‌پذیرند. طوری که گاهی از خود آنها هم جلو می‌زنند. طاغوت می‌گوید من صد اسلحه دارم، این‌ها می‌گویند هزار اسلحه دارد». یادم آمد وقتی پهپاد آمریکایی منهدم شد و توی خلیج فارس افتاد، «عده‌ای» می‌گفتند بلوف است. خود آمریکایی‌ها هم اولش گفتند موشک از کنار پهپادشان رد شده و به آن اصابت نکرده. بعدتر البته حرفشان را عوض کردند، اما گمانم بعضی از آن «عده» حرفشان را عوض نکرده باشند. یادم هست همان موقع که این اخبار را می‌خواندم کنجکاو شدم که بدانم واکنش آمریکایی وقتی RQ170 زمینگیر شد چگونه بود؟ آن جا هم اوباما اول گفت ایرانی‌ها دروغ می‌گویند و پهپاد ما منهدم شده و چیزی از آن باقی نمانده اما چند وقت بعد درخواست کرد که پهپاد آنها را پس بدهیم! هنوز اما «عده‌ای» هستند که ادعا دارند ما RQ170 را سالم نشانده‌ایم. اگر آمریکایی‌ها ناو بیاورند در اقیانوس هند، ترس برشان می‌دارد اما اینکه ایران به کمک متحدانش در منطقه حالا با اسرائیل مرز زمینی دارد از نظرشان



احمد مساح

رودی^{۹۵} کارشناسی مکانیک

وحدت به روایت شیعه

برخی از مخالفین وحدت می‌گویند که وحدت مسلمین یعنی این که تمام مذاهب منحصر به یک مذهب شوند یا این که این وحدت مسلمین به معنای این است که یک مذهب جدید تشکیل شود که فقط دارای اشتراکات بین مذاهب باشد و مسائل اختلافی در آن مطرح نشود. خبر این ادعا‌هایی که می‌شوند از اساس غلط اند؛ وحدت اصلاً به معنای هیچ کدام از گزاره‌های بالا نیست. وحدت اسلامی به معنای اتحاد مسلمین است؛ به این معناست که پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی، در برابر دشمنان مشترک با هم متحد باشند؛ وحدت یعنی آنکه مسلمین در برابر دشمنان مشترک تبدیل به یک ید واحده شوند.

طلایه دار وحدت خود امام علی (ع) است ایشان در حدیثی می‌فرمایند که «به خدا سوگند اگر بیم تفرقه میان مسلمانان و بازگشت کفر و تباهی به دین نبود رفتار ما با آنان طور دیگری می‌بود». سیره امام علی هم به همین صورت است در زمان غصب خلافت ایشان می‌توانستند دست به شمشیر ببرند و قیام کنند اما نکردند. حضرت در نماز جمعه و نماز جماعت در همان زمان ۲۲ سال خانه نشینی شرکت می‌کردند، در جهاد ها شرکت می‌کردند اما در عین حال از دادخواهی و شکایت از ربایندگان حقیقت‌گرا نکرده‌اند که خطبه‌های فراوانی از نهج البلاغه شاهد این مدعاست. حضرت بارها به خلفا مشورت دادند بارها آنها را ارشاد کردند اما هیچ‌گاه، هیچ پست و مقامی را از هیچ یک از خلفا قبول نکردند زیرا قبول کردن پست و مقام به معنای دست کشیدن و کوتاهی از حقیقت است.

ما باید به واسطه آن اشتراکاتی که داریم در کنار هم جمع شویم، این سخن، سخن من نیست سخن علامه امینی ای است که عمرش را برای نوشتن کتاب بی نظیر الغدیر گذراند این هم کلام ایشان: «با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر داریم، یک جمع کننده مشترک داریم و آن ایمان به خدا و پیامبر خداست. در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکمفرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است».

اشتباه نشود وحدت منافی وجود مباحثه و مناظره علمی در میان مذاهب نیست؛ منتها مباحثه‌ای که علمی باشد، مباحثه‌ای که در مجالس علمی توسط علما و اهل فن انجام شود نه در منظر و مرئای مردم.

در پایان باید بگوییم که امروزه ابزارهای تهاجم با ابزارهای قرون قبل به شدت فرق کرده، امروز که در رسانه‌های مجازی، در جراید، در کتاب‌ها، در فیلم‌های سینمایی و... این حجم از اسلام ستیزی می‌باشد جای خالی این وحدت در این عرصه‌ی نرم دیده می‌شود.

چندان تغییری ایجاد نمی‌کند. بعضی‌ها ایمان به طاغوت دارند. می‌بینند آمریکا در غالب جنگ‌های اخیرش شکست خورده، در عراق، افغانستان، ویتنام و اخیراً در مورد داعش، در جنگ‌هایی که برتری آمریکایی‌ها روی کاغذ به مراتب بیشتر بوده. و می‌بینند ایران در غالب جنگ‌های اخیرش پیروز شده، در جنگ با صدام و داعش یا اگر پیروزی متحدانش را هم در نظر بگیریم در لبنان و یمن. در جنگ‌هایی که روی کاغذ برتری معمولاً با دشمن هم بوده. اما باز این قدرت را نادیده می‌گیرند. اگر آن طرف آبی‌ها ادعا کنند که «گزینه نظامی روی میزشان است» همه مشاهدات قبلی را فراموش کرده، دنبال سوراخ موش می‌گردند یا دلار می‌خرند! اما هرچه فرماندهان ما در منطقه و در کشور اقتدار از آستین‌هایشان بیرون می‌کشند، این‌ها همه را شعبده می‌دانند.

زمانی بود که کسی باور نمی‌کرد جماعتی آخوند بدون تشکیلات سازماندهی شده و بدون اسلحه بتوانند نظام شاهنشاهی را که در مهر ۵۷ در وضعیتی بسیار با ثبات ارزیابی شده بود، سرنگون کنند.

زمانی بود که همه گمان می‌کردند درگیر شدن با آمریکایی‌ها و گروگان گرفتن کارمندان سفارتشان همان و نابودی حکومت نوپا همان.

زمانی بود که عده‌ای گفتند اگر صدام سه روزه به تهران نرسد یک ماهه خواهد رسید.

زمانی بود که آدم‌ها می‌خندیدند اگر می‌شنیدند، خواهد رسید زمانی که آمریکا از نفوذ ایران در منطقه و جهان وحشت خواهد داشت.

در تمام این اوقات، پیر ما می‌گفت بروید و باور کنید که می‌شود.

حتی آن موقعی که هواپیمای مسافربری ما را منفجر کردند، امام گفت ناوشان را بزنید، عده‌ای ترسیدند و نزدند.

حالا می‌گوییم اسرائیل به زودی نابود خواهد شد و عده‌ای باورشان نمی‌شود

می‌گوییم به اقتدار اقتصادی خواهیم رسید طوری که ما برای آمریکا خط و نشان بکشیم و چشم‌هایشان درشت می‌شود

می‌گوییم آمریکا رو به زوال است ...

دیدن فروریختن هیمنه‌ی ابرقدرت پیشین جهان، نه حتی اعتقاد قلبی به وعده‌ی موعود نصرت خداوند، که تنها یک کتاب تاریخ معاصر می‌خواهد.



شفافیت آرای نمایندگان از صفر تا کمی قبل از صد

شاید دوسال پیش بود که اولین متنم راجع به طرح «شفافیت آرای نمایندگان» نوشتم. آن موقع خیلی‌ها حتی اسمش را هم نشنیده بودند. مسئله بیشتر در لایه کارشناسان سیاست گذاری مطرح بود و من هم به خاطر کمی مشایعت با بعضی‌هاشان چیزهایی به گوشم خورده بود. امروز اما وضع تغییر کرده؛ رسانه‌ها اخبار مرتبط با شفافیت مجلس را به خوبی ضریب می‌دهند. نمایندگان مجلس به روشنی نسبت به مسئله موضع می‌گیرند و شاید گزافه نباشد که بگویم سرنوشت انتخابات پیش‌روی مجلس به این موضوع گره خورده است. در این فضا به نتیجه رسیدن کار آسان‌تر شده و نوشتن متن برای توجیه اذهانی که دیگر نسبت به مسئله ناآشنا نیستند سخت‌تر. در اینجا تلاشی کرده‌ام که همه طیف‌ها با هر سطحی از آشنایی با موضوع را پوشش دهم.

طرح شفافیت آرای نمایندگان چیست؟

طرح شفافیت آرا صورتی بسیار ساده دارد ولی در عین حال ساختار حاکمیت کشور را چندین برابر کارآمدتر می‌کند. این طرح پیشنهاد می‌کند آرای نمایندگان مجلس (موافق/ مخالف/ممتنع) راجع به طرح‌ها و لوایح مختلف به صورت پیوسته و در لحظه بر روی سامانه‌ای که برای عموم مردم قابلیت دسترسی دارد بارگزاری شود. در این صورت امکان دسترسی عمومی به آرای تمامی نمایندگان مجلس فراهم می‌شود. در نگاه اول بعید نمی‌دانم اهمیت این اتفاق و یا حداقل الویت نداشتن آن چندان برایتان روشن نباشد. اولاً خیلی واضح است که اکثریت قاطع مردم زمان و همین‌طور انگیزه کافی برای بررسی اینکه نماینده شهرشان راجع به موضوعات مختلف چه نظری داده را ندارند و بنابراین عملاً «نظارت مردمی» بر رفتار نمایندگان محقق نمی‌شود. ثانیاً با وجود مشکلات ملموس‌تری مانند گرانی، تورم، فساد مالی و اداری و هزاران مسئله دیگر که اتفاقاً همه طیف‌های مردم را هم به خود مشغول کرده است طرح‌های این‌چنینی ظاهراً الویت زیادی نداشته و موجب هدر رفتن وقت و انرژی مردم و نمایندگانشان می‌شود. در اینجا تلاش داریم نخ تسبیحی برای ارتباط بین طیف وسیعی از مسائل اقتصادی، اختلاف طبقات و فساد سیاسی و مالی بیابیم و نقش شفافیت آرای نمایندگان در رفع هر کدام از این معضلات بررسی کنیم.

شفافیت آرای نمایندگان گام اول برای تحقق همه ابعاد شفافیت

این روزها با پیشرفته‌تر شدن روش‌های انجام فساد، گستردگی باندها و گسترش امکان زد و بند بین مفسدین و ماموران حکومتی بین مسئله فساد و مسئله شفافیت پیوندی ناگسستنی ایجاد شده‌است. در واقع دولت‌ها در اقصی نقاط جهان به این نتیجه رسیده‌اند که توانایی مبارزه متمرکز با فساد را نداشته و ناچار هستند از ظرفیت‌های مردمی برای کشف فساد استفاده کنند. برای استفاده از این ظرفیت در ابتدا باید ساختارهای حاکمیتی به اندازه لازم شفاف باشند. به‌طور کلی به جز در مسائل نظامی و امنیتی، شفافیت ساختاری و مالی نهادهای حاکمیتی به سالم‌سازی و کارآمدی هر چه بیشتر آنها کمک می‌کند. ایده‌هایی مانند «شفافیت صورتحساب‌ها»، «شفافیت بودجه و درآمدها»، «شفافیت هدایای دریافتی مدیران» و ... به عنوان راه‌حلی برای مبارزه با فساد اقتصادی و ایده‌های دیگری مانند «شفافیت حضور و غیاب»، «شفافیت آرا و نظرات»،

ردیف	نام و نام خانوادگی	حوزه
۱.	حسینی حامد دلپایان	مناقص شهر
۲.	عباسی کوهن	رسانه
۳.	الدین صفری	تور
۴.	صین حسینی	بنر و گرافیک
۵.	آرین میرزاکار	پارادیز
۶.	مهین زهن	پرز آرا
۷.	امیر - علی صالحی	تستر
۸.	ابوالفضل ابیزاده	تستر
۹.	سهراب فارسی	سهراب
۱۰.	سید کامران	سهراب
۱۱.	سهراب قزوینی	سهراب
۱۲.	سهراب قزوینی	سهراب
۱۳.	کسری دهنج	سهراب
۱۴.	علی محمد مراد	سهراب
۱۵.	سپهر عری	سهراب
۱۶.	سهراب قزوینی	سهراب
۱۷.	فریدون کازم	سهراب
۱۸.	ذبیح سلطانی	سهراب

Follow

امروز طرح یک فوریت #شفافیت اسلامی رای گیری شد. با ۱۰۸ رای #مخالف، ۵۹ رای موافق و ۲۲ نفر عدم رأی #تصویب نرسید. چرا نمایندگان از #شفافیت آرا

Follow

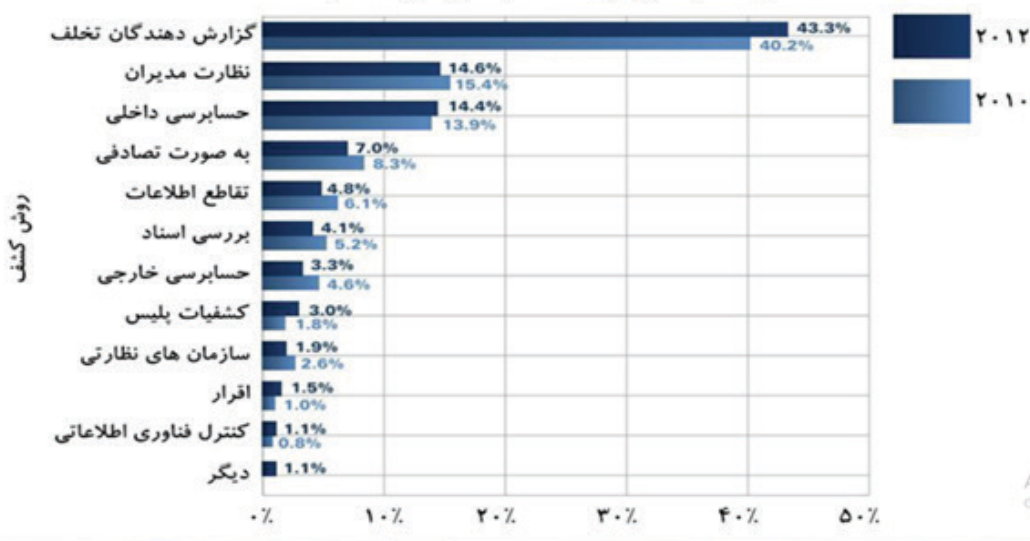
نیاید به تعداد امضاهای #شفافیت آراء نمایندگان کسانی بودند که به خود روی #رودربایستی امضا نیستند!

Follow

آن را که حساب پاک است! #شفافیت آراء مجلس #شفافیت آراء نمایندگان

برای درک میزان اثرگذاری این قانون نمودار پایین میتواند مفید واقع شود:

نمودار ۱. درصد فسادها و تقلب‌های شغلی کشف شده
به تفکیک روش کشف در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲



شفافیت آرا یا حذف نظارت استصوابی

گلوگاه دیگری که در آن اهمیت شفافیت آرا روشن می‌شود، انتخابات‌ها هستند. نقطه ایده آل یک نظام با ادعای «جمهوریت» زمانی محقق می‌شود که مسئولین حاکمیتی این نظام به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با رای و نظر توده مردم انتخاب شوند. اما نکته بسیار مهمتر در این انتخاب این است که باید امکان شناخت صحیح کاندیداها برای عموم مردم فراهم باشد تا به جای حب و بغض‌های شخصی و انگیزه‌های سطح پایین، تحلیل و بررسی دقیق ایده‌ها و توانایی‌های نامزدها انتخاب نهایی را رقم بزنند. مسئله‌ای که از ابتدای انقلاب در مجامع نخبگانی مطرح بوده و در چندسال اخیر عموم مردم را نیز درگیر خود کرده است این پرسش است که «آیا واقعا مردم ما در انتخابات‌ها حق رای دارند؟» دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم در شرایط امروز کشور، بسیاری از مردم علاقه سابق به شرکت در انتخابات‌ها را ندارند و آن را «انتخاب بین بد و بدتر» می‌دانند؛ و وای به حال کشوری که مردمش امید به اصلاح وضع موجود از طریق انتخابات را از دست بدهند!

گروه‌ها و جریان‌های سیاسی برای رفع این بحران راه‌حل‌های متنوعی را پیشنهاد داده‌اند. جدی‌ترین پیشنهاد در این رابطه که از جانب جناح اصلاح طلب مطرح شده و از این طریق خوراک رسانه‌ای جدی هم فراهم کرده‌است حذف «نظارت» استصوابی شورای نگهبان است. اصلاح طلبان معتقدند که شورای نگهبان با حذف کاندیداها اساسی (خصوصا از جناح اصلاح طلب) حق انتخاب مردم را محدود به چند گزینه خاص و محدود کرده و از این طریق مانع ظهور و بروز «شایسته سالاری» در فضای سیاسی کشور میشود. اینکه این ادعا تا چه حد منافع جناحی را مدنظر قراردادده و تا کجا مصالح کشور را درنظر گرفته است، موضوع بحث ما نبوده و خود نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد؛ اما به نظر میرسد این پیشنهاد از یک نکته اساسی که محل اختلاف هم هست غفلت کرده‌است. نارضایتی مردم از انتخابات‌ها بیش از آنکه ناشی از «محدودبودن گزینه‌ها» باشد ناشی از «فراهم‌نبودن امکان شناخت گزینه‌های موجود» است. بسیار پیش می‌آید یک نامزد انتخاباتی در

مطابق این نمودار بیش از ۴۳ درصد کل فسادهای کشف‌شده در دنیا در سال ۲۰۱۲ از طریق افشاکنندگان فساد بوده‌است.

ولی همانطور که قابل پیش‌بینی است به خاطر عدم وجود «شفافیت آرای نمایندگان» طرح‌های مرتبط با «سوت زنی» اساسا در مجلس مطرح نشده و یا دراندک مواردی که مطرح شده به راحتی رد می‌شود.

قانون دیگری که از قضا درهمن روزها می‌تواند برای عبور از شرایط اقتصادی فعلی بسیار مفید واقع شود، قانون «مالیات بر عاید سرمایه» است که از آن میتوان برای پرکردن شکاف‌های طبقاتی بین مردم و همچنین رونق تولید از طریق «به صرفه کردن تولید نسبت به سوداگری در بازار ارز و طلا و مسکن» استفاده کرد. همچنین از این قانون در بحران‌های خاص اقتصادی به عنوان نابودکننده حساب‌های کاذب بازار استفاده می‌شود. شرح و بسط این قانون هم مثل دیگری در این مقال نمی‌گنجد، اما به عنوان یک توصیف کلی می‌توان این قانون را مرهمی برای پرکردن کسری بودجه‌ای که امسال دولت با آن مواجه است، دانست. کسری بودجه‌ای که دولت درنظر دارد آنرا با گران کردن بنزین و سایر حاملهای انرژی پر کنند. همانطور که روشن است بازهم به دلیل عدم وجود قانون شفافیت آرا این طرح با انگیزه حفظ منافع شخصی و رانتخواری تا امروز به تصویب نرسیده است.

فاطمه موذنی

ورودی کارشناسی مهندسی شیمی

معرفی کتاب «دنیای سوفی»

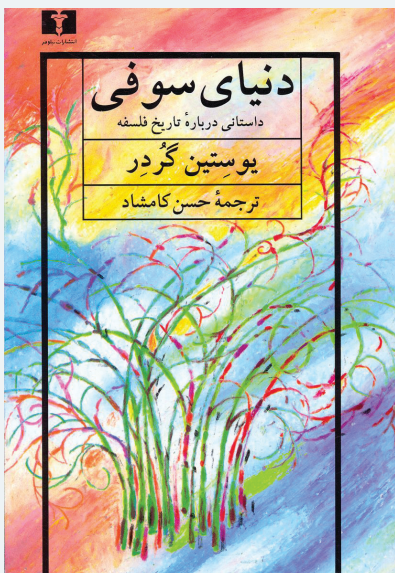
«کسی که از ۳۰۰۰ سال بهره نگیرد تنگدست به سر می برد»

دوازدهمین غرفه انتشارات هرمس بود. در این غرفه هم سراغ کتاب های تازه رفتند. غرفه داران کتاب دنیای سوفی و کتابی دیگر را به رهبر انقلاب نشان دادند. آقا فرمودند: «بله، بچه های ما خوب است این کتاب را بخوانند.» شاید دلیل اصلی که شروع به خواندن این کتاب کردم این توصیه بود تا علاقه به فلسفه.

نویسندهی کتاب یوستین گُردِر نروژی، مدرس فلسفه است. شخصیت اصلی داستان دختری به نام سوفی است که روزی در راه بازگشت از مدرسه، نامه ای بدون نشانی و تمبر با نام دریافت کننده «سوفی» را در صندوق پست خانه می یابد، نامه ای که تنها روی آن نوشته شده «تو کیستی؟». سوالی که شاید برای یک دختر ۱۴، ۱۵ ساله بسیار چالش برانگیز باشد. این نامه رسانی ها و بازی با افکار سوفی ادامه می یابد تا اینکه سوفی چنان تحت تأثیر قرار می گیرد که در قسمتی از داستان می گوید «ما در مدرسه چیزی یاد نمی گیریم. فرق آموزگاران و فیلسوفان این است که آنها خیال می کنند خیلی چیز می دانند و اینها را به زور در حلقوم ما می چنانند ولی فیلسوفان سعی دارند پای به پای شاگردان به حل مسأله بپردازند.»

ساختار کلی داستان، گریزی مختصر از ابتدای شکل گیری فلسفه در یونان یعنی فیلسوفان طبیعی است تا اینکه به فلاسفه کلاسیک، سقراط و افلاطون و ارسطو می رسیم، سپس قرون وسطا و رنسانس و عصر روشنگری، مارکس و داروین و فروید، تا اینکه به دوران خودمان و ژان پل سارتر و نیچه می رسیم.

اگر برای اولین بار می خواهید نگاهی به دنیای فلسفه بیندازید، بد نیست این کتاب را هم در فهرست قرار دهید چون اولاً یک رمان است، ثانیاً خودآموز، پس کسالت آور نیست!



ایام انتخابات با دادن وعده های پوچ اما جذاب رای می آورد و مردم نه توانایی راستی آزمایی وعده ها را دارند و نه امکان مطالبه ی آنها پس از آغاز دوره را اینجاست که «شفافیت آرای نمایندگان» می تواند در انتخابات مجلس به عنوان یک کارنامه دقیق و قابل استناد از گذشته نماینده و حزبی که از او حمایت می کند، مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این در سایر انتخابات ها اعم از ریاست جمهوری و یاغیر، شفافیت آرا به عنوان بستری برای تحقق دیگر ابعاد شفافیت، می تواند مورد استفاده قرار گرفته و با تحقق ایده های «شفافیت وعده های انتخاباتی»، «شفافیت هزینه های انتخاباتی» و همچنین «شفافیت اموال و دارایی» انتخابی صحیح تر و متناسب با ترجیحات عمومی مردم رغم بزند؛ در صورتیکه حذف نظارت استصوابی به هیچ وجه چنین امکانی را فراهم نمی کند.

یک مثال ساده ...

بیا باید برای درک بهتر موضوع در یک مثال ساده، دو حالت مختلف را تصور کنیم. فرض کنید برای صرف غذا، در حالت اول دو ظرف غذای «دربسته» و در حالت دوم ده ظرف غذای «دربسته» داشته باشید. فکر می کنید حق انتخاب شما در این دو حالت کاملاً متفاوت، با یکدیگر تفاوتی دارد؟ حذف نظارت استصوابی بدون شفافیت درست مانند این مثال عمل می کند. در واقع با افزودن بر تعداد نامزدها حق انتخاب مردم تغییری نمی کند؛ تنها تغییری که رخ می دهد این است که مردم «تصور می کنند» حق انتخاب گسترده تری دارند. در انتها برای شفاف سازی موضوع یادآوری این نکته ضروری است که این نوشتار در مقام بررسی ایده حذف نظارت استصوابی نبوده و تنها این ایده را در کنار «شفافیت آرای نمایندگان» الویتی دست چنم برای فضای سیاسی کشور می داند.

ادامه دارد اگر خدا بخواهد...

چه خبر از دنیا؟



آتش‌سوزی در جنگل‌های کالیفرنیا

وداع با پیکر شهید مدافع مر۴، حامد سلطانی



آفرین جلسه رسیدگی به اتهامات
شب‌نعمت نعمت زاده، فرزند وزیر سابق
صنعت، معرن و تبارت

تشییع پیکر اعظم طالقانی، فعال سیاسی و
فرزند آیت‌الله سیدمحمود طالقانی



شهاب اسفندیاری
@shbesfand



از تاریخ تأسیس تاکنون، شبکه ۴ هرگز
اینقدر در سطح جامعه بحث‌انگیز نشده بود!
خیلی هم خوب. امید که در همه مباحث
کلان فرهنگی و اجتماعی چنین شود. البته
در طراحی و مدیریت این بحث‌ها باید
موضوع دقیق و روشن باشد تا جای حاشیه
و متن عوض نشود.

#عدالت_آموزشی
#دبیرستان_فرهنگ
#حداد_عادل

۱۲:۲۲ ب.ظ. ۰۱ نوامبر ۱۹

حامد هادیان @hamedhadian_ ۲۰
مقتدی صدر دوست دارد خودش را نماد تغییر و
مطالبات همه مردم عراق معرفی کند در صورتی که
نیست. عادل عبدالمهدی هم نماینده وضع موجود و
همه مشکلات عراق در این سال‌ها نیست.

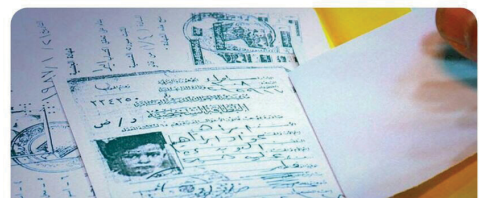


Siavash Fallahpour
@SFallahpour



می‌گویند در آخرین لحظات پیش از
دستگیری خودش را با استفاده از جلیقه
انتحاری به قتل رسانده
عجب پایانی داشت کودک فقیر سامرایی که
روزگاری عاشق فوتبال بود

#ابوبکر_البغدادی
#جنگ
#تاریخ



مدیرمسئول: علی امام‌قلی

سردبیر: منصوره جعفری

همکاران این شماره: علی پرویزی، صالح سلطانی، احمد مساح،
حمیدرضا مشکین، فاطمه موذنی

ارتباط با ما



@MOSTAGHEL_SHARIF

@HRMeshkin

صدف نشریه رسمی انجمن اسلامی دانشجویان مستقل